

سلام بابایی نازم؛

بابایی تشنگم، بابایی مهربونم، بهترین بابای دنیا... سلام.

به اندازه جهانی که طناب دراز بی نهایت را با خودش می کشد می برد، برای آن حرف دلرم.

بابایی، من و شما دست در دست هم از هزار تا غم و غصه رنگ و وارنگ گذشته ایم. بابایی، می می

می که، شما و می می من را به این دنیا آورده اید که زندگی تان دوباره تشنگ شود. بابایی، من هنوز

بوی این کره خاکی راه می روم تا لحظه ای این زندگی زیبا بجاند. من را به یاد بیاورید، لیلی

را محبتم کنید و لبخند بزنید. اگر توی این آسمان نقطه یک ستاره بجاند و آن ستاره چهار تا

گوشه تیز درخشان داشته باشد، آن چهار تا گوشه ما هستیم که نشسته ایم و چایی می خوریم.



بابایی، قصه سازده کوچولو را شما اولین بار در لالایی هایمان برایم تعریف کردید.

همان سرچو کوچکی که تنها بر روی یک سیاره زندگی می کرد. یک سیاره خیلی کوچیک...



SP00092

بابایی، من ماه هست که شمارا با نام «شازده کوچولو» صدا می‌کنم. شازده کوچولوئی که هیچ ندارد، اما بهترین حرف‌های دنیا، تشنگ‌ترین گل‌های دنیا و خوش‌آهنگ‌ترین عاشقانه‌های دنیا از آن اوست.

شازده کوچولو نازم... دلم برات تنگ شده. اما شازده کوچولو به دخترش یاد داده که احساساتش را توی تنگنای گلو پنهان نکند. قانون سیاره دوردست شازده کوچولو با این جمله شروع می‌شود: هر وقت دلت می‌خواهد بخندی، بخند. هر وقت دلت می‌خواهد گریه کنی، زار بزنی، اشک بریزه. هر وقت دلت می‌خواهد فریاد بزنی، تریه نکن... فریاد بزنی.

برای همین، من هر وقت که دیدم دردی شمارا نمی‌توانم تحمل کنم، می‌روم و به نزدیکترین جایی می‌روم که آسمان دیده شود. بعد، به سیاره شمای آیم و توی بغل‌ان می‌نشینم. آن وقت ما هر دو با هم می‌خندیم، یا گریه می‌کنیم یا فریاد می‌زنیم.



اسم مدرسه من "Bethesda Chevy Chase"

است. امسال کلاس یازدهم یا همان مسوم دبیرستان خودمان را تمام کردم. این جا مدرسه زودتر از ایران بازی شود (حدوداً ۱۱

شهریور) بازی شود. (ای بابا، بازی شود، را که یک بار نوشته بودم) و دبیرترسیم تعطیل می‌شود. (حدوداً ۲۹ خرداد) اما ۲ هفته برای تعطیلات کریسمس تعطیل است یک هفته در بهار. معدتم (4.0) شده که یعنی کاملترین نمره این جا.

درس هایم: انگلیسی، بیولوژی، پیانو، تاریخ جهان مدرن، تاریخ آمریکا، انگلیسی (دستور زبان) و ریاضی بود. این جا هر روز ۱۰ زنگ دارد. هر زنگ ۴۵ دقیقه است. ادایل عادت نداشتم و فکری کردم که هنوز ننشسته، زنگ می خورد. اما تا زنگی ما به این زمان بندی عادت کرده ام.

درس های سال بعد: انگلیسی\*، تاریخ اروپا\*، روزنامه نگاری، بهداشت، پیانو، کامپیوتر، جامعه شناسی\* است.

\* ما یعنی این که، سه تا درس ذکر شده، درس های کتاب های دانشگاه است که به تعداد خاصی از بچه های که نمره های عالی دارند، در مقطع دبیرستان درس داده می شود. در ضمن ریاضی پیشرفته را هم یادم رفت که در نسبت درس های سال آینده بنویسیم.



شازده کوچولو، چطوره؟

معلم بیولوژی در مدرسه، از من تول گرفته که فکر کنم شما او هر دو یک نفر هستید. کی؟ بابا. می گوید که تا پدرت از تو در است، من را باید مثل او نگاه کنی. «  
دیروز، با این که مدرسه تمام شده و من دیگر با او کلاس ندارم، بین زنگ زد و گفتم که یک هدیه برای من دارد. من به مدرسه رفتم و دیدم که برایم یک گیاه کاشته که گل هایش بنفشه یا غروب آفتاب بازی شود می شکند. گلدان را برداشتم و به خانه آوردم. قرار است هر دو روز یک بار آبش بدهم، به طوری که گلدان ها از آب پر شود. امروز ۳ تا از ۱۲ تا غنچه باز شد. گل های زرد و زلفه قد... او گفتم: «ما هر دو هنگام غروب آفتاب به باز شدن غنچه ها نگاه می کنیم و تنها به یک نفر فکری کنیم

اسم این آقای معلم Mr. Snyder (اسنایدر) هست. راستی قرار است که از ماه آینده به سن زندگی هم یاد دهد. هم خودش و هم همسرش. امروز هم شروع به خواندن آیین نامه زندگی کرده ام. دلی سفت است.

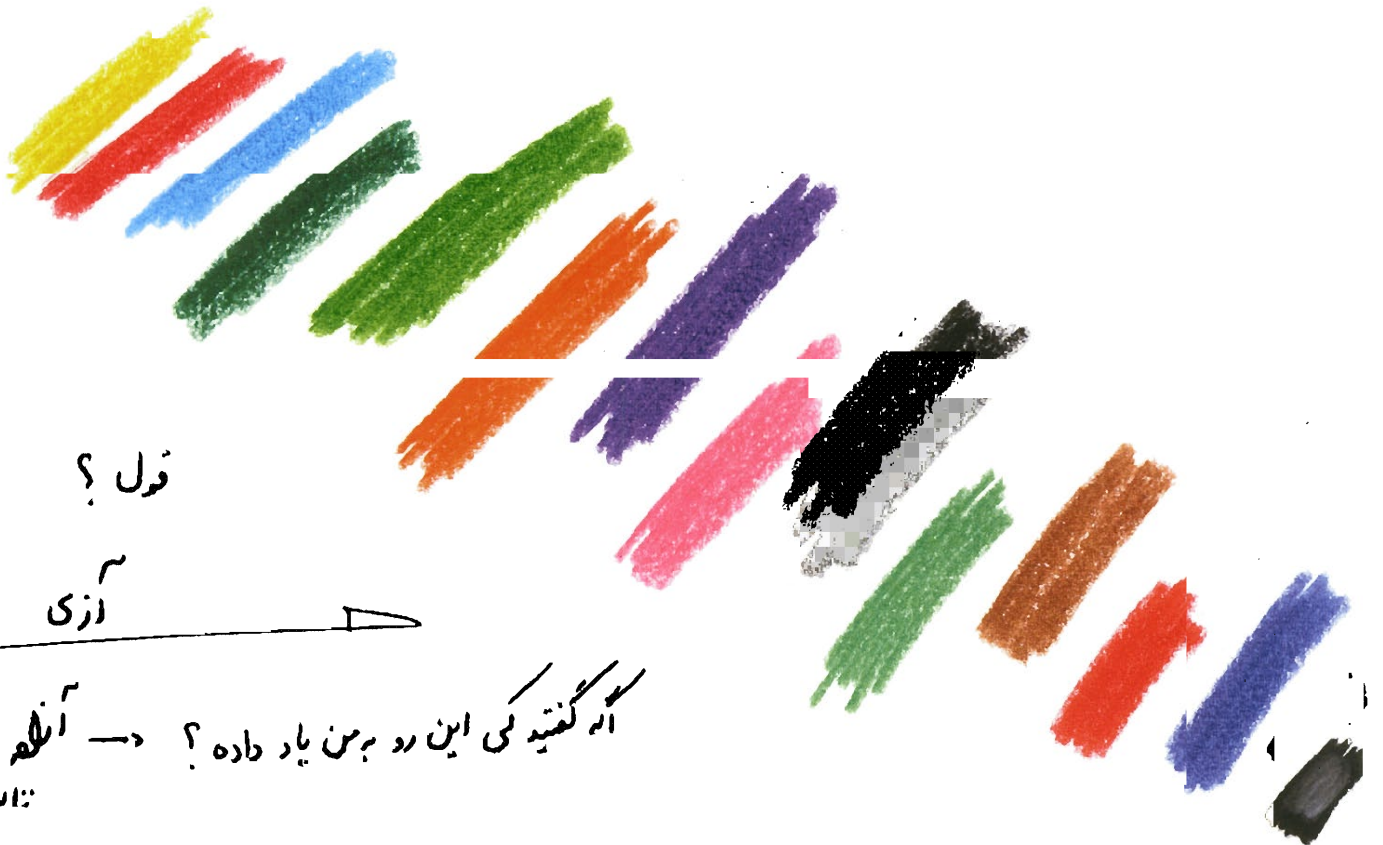


بابایی... به خاطر من، فقط و فقط به خاطر من، قول بدهید از زندگی دلخور نباشید...

بابایی نازم، بابایی تشنگم، بابایی خوم، بابایی... به خدا زندگی تشنگ است. خودمان شب تا صبح کنار تخت نشسته ایم و این را زوزه کرده ایم. بابا؟ قول؟



سن، این جا، روی همین صفحه و همچنین روی یک صفحه کوچک، یک بار با همه رنگ ها برایمان خطی کشم تا رنگ های تشنگ زمین را از یاد ببرید. چشمهایتان را داکس... بزنید!!



قول؟

آری

آه گفتید که این رو به من یاد داده؟ — آنگاه



